

شربت‌تلفن‌را تا قبل از آغازتلفن‌گویی در سال ۲۰۲۳۳۳۳۷۰۲۱۲۳۰

از زمان ثبت تقاضای بازنشستگی تا صدور حکم، بیمه‌ها در کار نیست چند روز قبل بعد از ۳۰سال کار تقاضای بازنشستگی دادم. زمان ثبت تقاضا و ارائه مدارک متوجه شدم که از زمان ثبت تقاضای بازنشستگی تا روزی که حکم آن صادر شود یعنی حدود ۲تا ۳ماه هیچ بیمه‌ای نخواهم داشت و این واقعا ظلم در حق کسی است که ۳۰سال بیمه پردازی داشته است. وقتی از مسئول بیمه پرسیدم گفت حتی ما هم که کارمند تأمین اجتماعی هستیم از زمان ثبت تقاضای بازنشستگی تا زمان صدور حکم همین وضع را داریم و فرقی بین بیمه اختیاری و اجباری در این مورد نیست. مسئولان باید این رویه را اصلاح کنند و بیمه پردازان را بیش از این نیازازند.

فاطمی از تهران
شربت استامینوفن به بازار تزریق شرد
درحالی که فرزندم تب ۳۹درجه داشت نیمه شب در به در دنبال شربت تبیر استامینوفن بودم. حتی داروخانه ۱۳آبان هم نداشت. در فصلی که آنفلوآنزا امان کودکان را بریده برخی کاسبان دوباره سلامت مردم را به بازی گرفته‌اند.

آب نیکی از تهران
پیوند درختان نر زیتون در رودبار و درونجیل ضرور بیست براساس طرح طوبا که دهه ۸۰در رودبار، منجیل و برخی شهرهای دیگر اجرا ششد باغات بسیار گسترده زیتون رونق گرفتند و بالغ بر ۲۰هزار هکتار یساغ زیتون فقط در رودبار و منجیل اجرابی شد، اما متأسفانه اغلب این باغات بی‌بهره می‌هستند و به نوعی نر محسوب می‌شوند. به هر دلیل با هر توجهی این درختان کاشته شده‌اند، الان نمی‌توان آنها را نابود کرد ولی می‌توان با پیوند ساسده از یک درخت این درختان را ثمردار کرد تا در سریع‌ترین زمان ممکن این حجم عظیم از سرمایه ملی و طبیعی به چرخه نقدینگی و اقتصاد ملی کشور بازگردد؛ ضمن اینکه هزاران شغل در کنار این حرکت اصلاحی ایجاد خواهد شد.

قاسمی از رودبار

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۳۷

سطل زیاله کوچه نوش آبادی نیازمند شست‌وشوست
سطل زیاله مکتانیزه در کوچه نوش آبادی نبش کوچه فرعی پور مسکین دبدو و آلوده است و به‌دلیل انباشت بیش از حد زیاله وضعیت بدی پیدا کرده است. از شهرداری ناحیه ۳ منطقه ۱۱ خواهش می‌کنم نسبت به شست‌وشوی سطل زیاله مکتانیزه و جمع‌آوری به‌موقع زیاله‌ها اقدام کند.از زحمت بایر شهرداری منطقه ۱۱ ناحیه ۳در این زمینه و سایر امور تشکر می‌کنیم.

هاشمی از تهران
ایستگاه‌های جدید در مسیر قطار اصفهان– تهران ایجاد شود
قطار سریع‌السریر اصفهان، قم و تهران در محدوده شهرستان برخوار زیرزمینی شود تا از آسیب دین‌زمین‌های کشاورزی و منابع طبیعی و صنعت و … جلوگیری شود و پس از عبور از یسجد راه شاهین شهر، کاشان ۴ایستگاه شاهین‌شهر، دولت‌آباد (مابین دستگرد و دولت‌آباد)، بیمارستان غرضی (در زمین بایر حدفاصل فرانگان تا بیمارستان غرضی) و میجدان کاوه اصفهان (ایستگاه مترو کاوه) در این مسیر ایجاد کنند.

معلولان با ۲۵سال سابقه کار، بازنشستگی کامل دریافت کنند
از مسئولان سازمان بهزیستی تقاضا دارم تا با همکاری سازمان تأمین اجتماعی نسبت به بازنشستگی پیش از موعد با حقوق کامل افراد معلول اقدام کنند. زندگی با وجود معلولیت آن هم در بینسانی بسیار سخت و طاقت‌فرساست. جا دارد برای این دسته از افراد که به‌رغم محدودیت‌هایشان سال‌ها کار کرده و هزینه‌های معاش خود و خانواده‌شان را فراهم کرده‌اند و نتواستند تا باری بر دوش جامعه باشند تسهیلاتی قائل شد.

جماعتی از معلولان تهران
پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

کمبود سرم در شهرستان بابل نگران‌کننده است
بعلت کمبود سرم در شهرستان بابل، فضای رانت و احتکار دارو فراهم شده که در این شرایط حساس، این مسئله، مردم را نگران و عصبانی کرده است. متأسفانه عده‌ای هم در این میان به‌دنبال سودجویی و منفعت شخصی هستند. نظر به مشاهده عینی شهروندان در این شهرستان سرم ۱۴۲دستگاه نمکی که برای برخی بیماران حکم غذا را دارد با نسخه هم در خارج بیمارستان پیدا نمی‌شود و اگر هم باشد با دو تا ده برابر قیمت خرید و فروش می‌شود.نکنه عجیب و قابل تأسف دیگر این است که برخی داروخانه‌سرم‌ها را این خودتقسیم و آن را به‌صورت آزاد به فروش می‌سانند.باید باین قبیل داروخانه‌ها برخورد جدی و قانونی شود تا درس عبرتی برای سایرین شوند.

اسلامی از بابل
تعطیلی مدارس برای جلوگیری از شیوع بیشتر آنفلوآنزا
آنفلوآنزا به سرعت در برخی استان‌ها در حال گسترش است. لطفا هرچه سریع‌تر نسبت به تعطیلی مدارس اقدام کنید.حداقل ۴هفته برای کنترل این شهرستان سرم ۱۴۲دستگاه نمکی که برای برخی بیماران حکم غذا را دارد با نسخه هم در خارج بیمارستان پیدا نمی‌شود و اگر هم باشد با دو تا ده برابر قیمت خرید و فروش می‌شود.نکنه عجیب و قابل تأسف دیگر این است که برخی داروخانه‌سرم‌ها را این خودتقسیم و آن را به‌صورت آزاد به فروش می‌سانند.باید باین قبیل داروخانه‌ها برخورد جدی و قانونی شود تا درس عبرتی برای سایرین شوند.

بحری از بندرعباس
تسکر از نمایندگی خودرو
چند وقتی بود که به‌دنبال تعویض و تعمیر قطعات خودروی خود بودم و با مراجعه به بعضی از نمایندگی متوجه می‌شدم که از قطعات اصلی استفاده نمی‌کنند. سرانجام با مراجعه به یکی از نمایندگی‌های ایران خودرو (۴۳ کد ۵۰) که نشی خیابان میرزای شیرازی است با انسان‌های شریفی برخورد کردم که بسیار مسئولانه و در اسرع وقت قطعات مورد نیاز من را فراهم کردند. از مدیریت این مجموعه و همه انسان‌های متعهد در کار کمال تشکر را دارم.

سرویان از تهران

حوادث

قاچاقچی محکوم به اعدام در راه انتقال به دادگاه‌فرار کرد در تهران باند سرقت تشکیل داد

اعدامی فراری، سردسته باند سرقت شد

قاچاقچی مواد که در یکی از شهرهای غربی کشور به اتهام حمل ۱۰ کیلو heroin دستگیر و به اعدام محکوم شده بود، در راه انتقال به دادگاه فرار کرد و با حضور در پایتخت، باند سرقت تشکیل داد.

به گزارش همشهری، از چند ماه قبل کار آگاهان پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران در جریان دستبردهای سریالی به خانه‌ها قرار گرفتند و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان را آغاز کردند.

بررسی‌ها نشان می‌داد که اعضای این باند پس از شناسایی خانه‌هایی که صاحبخانه در آن حضور نداشت، اقدام به تخریب قبل در ورودی کرده و پس از ورود به داخل خانه اموال قیمتی مانند طلا، پول، لپ‌تاپ، تبلت، گوشی موبایل و وسایل بازی را دگر با سرقت می‌کردند.

یکی از مالباختگان زنی جوان بود که به مأموران گفت: من ساکن شمال تهران هستم و چندروز قبل برای سفر کاری به شهرستان رفته‌ام وقتی برگشتم با صحنه عجیبی مواجه شدم. قفل در آپارتمان تخریب شده و وسایل خانم بهم ریخته بود. پس از جست‌وجو در داخل خانه متوجه شدم که درزدان همه طلا و جواهراتم به همراه ۲ دستگاه گوشی موبایل گران‌قیمتم را سرقت کرده‌اند.

رد پای مجرم سابقه‌دار

کار آگاهان پایگاه ششم وقتی راهی محل زندگی این زن شدند، در بررسی تصاویر دوربین‌های مدارسته سرنخی از دزدان به‌دست آوردند. آنها ۴ نفر بودند که ۲ دستگاه موتورسیکلت که بلاکشان مخدوش بود به مقابل خانه شاکی رفته بودند. یکی مقابل در مانده و نگهبانی می‌داد و ۳ نفر دیگر وارد ساختمان شدند و دقایقی بعد، درحالی‌که اموال مسروقه همراهشان بود، از آنجا خارج شدند. آنها چهره خود را کاملاً پوشانده بودند که قابل شناسایی نباشند اما در ادامه تحقیقات معلوم شد یکی از موبایل‌هایی را که از خانه شاکی دزدیده‌اند به یک مغزدار فروخته‌اند.

مأموران در گام بعدی راهی این مغازه شدند و به تحقیق از صاحب آن پرداختند. وی گفت: کار من خرید و فروش تلفن همراه است و چند وقت قبل مردی جوان به مغازه‌ام آمد و گفت می‌خواهد گوشی‌اش را بفروشد. اصلا فکر نمی‌کردم که گوشی سرقتی باشد چون جعبه داشت. من هم گوشی را خریدم و چند روز بعد به یکی از مشتریانم فروختم و از سرقتی بودن آن خبر نداشتم. مأموران این بار به بررسی دوربین مدارسته مغازه پرداختند و تصویری از چهره فردی که گوشی را به مغزدار فروخته بود به‌دست آوردند. در بررسی بانک اطلاعاتی پلیس و البوم عکس مجرمان سابقه‌دار معلوم شد که این فرد مجرمی سابقه‌دار و تحت تعقیب پلیس یکی از شهرهای غربی کشور است. تحقیقات نشان می‌داد

که او چند سال قبل به اتهام حمل موادمخدر دستگیر و به اعدام محکوم شده بود اما آخرین بار هنگام انتقال به دادگاه، موفق به فرار شده بود. مرد محکوم به اعدام از آن زمان فراری بود و پلیس نتوانست بود ردی از وی به‌دست‌آورد و حالا بررسی‌ها نشان می‌داد که وی پس از فرار از زندان به پایتخت گریخته و عضو باند سرقت شده است. باین سرخ مأموران ردپایی‌های خود را ادامه دادند تا اینکه مخفیگاه متهم در یکی از خیابان‌های جنوب تهران شناسایی شد. کار آگاهان این خانه را زیر نظر گرفتند و متوجه شدند که علاوه بر محکوم به مرگ فراری، ۳ نفر دیگر که همگی آنها از اعضای باند سرقت هستند نیز به آنجا رفت‌وآمد دارند. وقتی عملیات کار آگاهان برای دستگیری این باند کلید خورد، سارقان به محض دیدن پلیس، با جاقوه یا آهن‌چاله کردند تا راهی برای فرار پیدا کنند اما تلاش‌انهایی نتیجه باقی ماند و هر ۴ متهم دستگیر شدند. از سوی دیگر در بررسی بانوق آنها، لوازم سرقتی و ابزاری که آنها برای سرقت به‌کار می‌بردند، کشف شد. در ادامه متهمان برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند و بررسی‌ها برای کشف تمامی سرقت‌هایی که مر تکب شده‌اند ادامه داد.



فرار به پایتخت برای سرقت
سردسته باند، مردی ۴۵ساله و یک محکوم به اعدام فراری است. او مدتی قبل زمانی که در راه انتقال به دادگاه بود، موفق شد با کمک همدستانش فرار کند و پس از آن بود که باند سرقت از خانه‌ها را تشکیل داد. گفت‌وگو با او را بخوانید.

چند وقت است که باند سرقت تشکیل داده‌ای؟

حدود ده‌ماهی می‌شود که این باند را تشکیل داده‌ام و با همدستانم به خانه‌های پایتخت دستبرد می‌زنیم.

با چه شگردی دست به سرقت می‌زنید؟

معمولاً خانه‌هایی را که چراغشان خاموش است شناسایی می‌کنیم، ابتدا رنگ را می‌نیم و اگر کسی آیفون را برنداشت، به روش تخریب قفل در وارد خانه‌ها می‌شویم و اغلب وسایله‌های گران‌قیمت را سرقت می‌کنیم؛ از پول و طلا و سکه گرفته تا گوشی موبایل و لوازمی که فکر می‌کردیم با فروش آن پول خوبی می‌رمان می‌آید.

البته به‌وشن هم دقت می‌کردیم، وسایلی می‌بردیم که وزن زیادی نداشته باشند.
چقدر پول در این مدت به جیب زدید؟

حدود ده‌میلیارد تومان.

ظواهر اسباب زبانی هم در پرونده‌ها موجود است؟

من یک حرف‌های هستم. البته اکثر سسواایتم مربوط به سرقت است. سرقت از خانه‌ها. تمام سرقت‌ها را در شهرستان انجام دادم و این نخستین بار است که در پایتخت دست به سرقت می‌زنم.

اما حکم اعدام هم در پرونده‌ها وجود دارد؟

به خاطر حمل موادمخدر بود. مدتی قبل در شهرمان که در یکی از استان‌های غربی کشور است، یک محموله موادمخدر خریدم. قرار بود که محموله را به یک قاچاقچی بین‌المللی بفروشم تا آن را مرز خارج کند. اما فکر می‌کنم نفس مرا لو داد و یک روز پلیس به آنجا رسید. خانه‌ها ریخت، دستگیرم کرد و محموله را هم که زیر زمین خانم‌ها جاسازی کرده بودم، کشف کرد. به این ترتیب بود که گیر افتادم و حکم سنگینی برآیم در نظر گرفتند.

چه شد که از سرقت منزل به سمت قاچاق مواد رفتی؟

سرقت میلیاردری جوان روزنامه فروش

شاه‌گرد که روزنامه‌فروشی عضو باند سرقت اسکیمری بود که با کپی کردن اطلاعات کارت‌های اعتباربانک مشتریان، موجودی آنها را سرقت می‌کردند. به‌گزارش همشهری، راز این کلاهبرداری زمانی فاش شد که تعدادی از افرادی که حسابشان به طرز مشکوکی خالی شده بود راهی پلیس فتای کرج شدند و گفتند که فرد ناشناسی اقدام به سرقت از حساب بانکی آنها کرده است. اظهارات همه شاکیان یکسان بود و آنها مدعی بودند بی‌آنکه کارت اعتباربانک و اطلاعات حسابشان را در اختیار فردی قرار دهند، به‌حساب آنها دستبرد زده شده است. سرهنگ رسول جلیلیان، رئیس پلیس فتای استان البرز در تشریح جزئیات این سرقت‌ها گفت: در بررسی‌های اولیه مشخص شد که برداشت از حساب مالباختگان به‌صورت اینترنتی نبوده و به‌صورت فیزیکی و از طریق دستگاه پوز، از حساب آنها سرقت شده است. به این صورت که سارق با در اختیار داشتن کارت بانکی، راهی فروشگاه‌های موبایل شده و پس از خرید گوشی‌های مدل بالا، هزینه آن را با کشیدن کارت پرداخت کرده است. این مسئله نشان می‌داد که مالباختگان، قربانی سارقان اسکیمری شده‌اند و در جریان یکی از خریدهایشان، زمانی که کارت بانکی‌شان را به فروشنده داده بودند، وی با استفاده از اسکیمیر، اطلاعات کارت را کپی کرده و پس از دریافت رمز ۴رقمی کارت از مالباختگان، آن را نیز به‌دست آورده و به این ترتیب موفق شده یک کارت بانکی شبیه کارت مالباختگان تهیه و حساب آنها را خالی کند. رئیس پلیس فتای استان البرز افزود: باین اطلاعات، بررسی‌ها برای شناسایی محلی که تمامی مالباختگان از آنجا اقدام به خرید کرده بودند آغاز شد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که همه آنها در یک بازه زمانی مشخص از یک دهه روزنامه‌فروشی اقدام

به خرید کرده و از آن طریق کارت بانکی‌شان کپی شده است. این مقام انتظامی تصریح کرد: در ادامه مأموران باتمام تحقیقات گسترده پلیسی ابتدا هویت یکی از متهمان اصلی را که به‌مدت ۲ ماه در دهه روزنامه‌فروشی با پوشش (شاه‌گرد) مشغول به کار بود و مسئول اصلی کپی کارت‌های بانکی بود شناسایی کردند؛ سپس با زیر نظر قرار دادن او، سایر متهمان باند اسکیمری که در نقاط جنوبی کشور مخفی شده بودند شناسایی شدند. به این ترتیب تیم‌های عملیاتی در دریافت نیابت قضایی راهی مخفیگاه‌های متهمان شده و در جریان ۲ عملیات جداگانه موفق به دستگیری تمامی اعضای این باند شدند. سرهنگ جلیلیان گفت: در تحقیق از متهمان معلوم شد که آنها باین شگرد اطلاعات کارت بانکی دهه‌انفر را کپی کرده و به‌حساب بیش از ۲۰ نفر از آنها دستبرد زده و بیش از یک میلیارد تومان سرقت کرده‌اند.

پایان ماه‌ها اسارت ۲گروگان در نقطه صفر مرزی



نگه‌داری می‌شوند. با این حال محل اختفای بیشتر دو بوند و همین باعث شد که این بار پلیس با حساسیت بیشتری در پی‌رونده را پیگیری کند. سردار کتیباد مصطفایی، فرمانده نیروی انتظامی کهنگیلوپه و پوراحمد یا بیسان این خبر گفت: به محض دریافت خبر گروگانگیری اول، باهماهنگی و همراهی مقامات قضایی استان و شهرستان، موضوع را به‌صورت جدی در دستور کار قرار دادیم و ۲ تیم از ورزیده‌ترین نیروهای مجموعه پلیس آگاهی استان برای آزادی فرد ربوده شده‌وارد عمل شدند. وی ادامه داد: وقتی آدم‌ربایی دوم رخ داد، عزم پلیس آگاهی جزم و محرز شد که این موضوع از پیچیدگی خاصی برخوردار است. مصطفایی افزود: با بررسی‌های گسترده، سرخ‌های به‌دست آمد که نشان می‌داد گروگان‌ها به نقطه صفر مرزی در استان‌های شرقی کشور منتقل شده و در آنجا

همیشه‌ری

کوتاه از حادثه

مردی نقش پدر دختر خردسال را بازی کرد تا برای او پاسپورت بگیرد

دستگیری پدر قلابی در پرونده آدم‌ربایی

مردی پس از دریافت دستمزد میلیون‌نقش پدر را بازی کرد تا برای دختر خردسال زنی پاسپورت تهیه کند اما حالا پلیس او را به اتهام آدم‌ربایی دستگیر کرده است.

به گزارش همشهری، چند روز قبل مردی به اداره آگاهی تهران رفت و خبر از ناپدید شدن دختر خردسالش داد. وی گفت: به تازگی با همسرم دچار اختلافاتی شده و در آستانه جدایی بودیم. وی آخرین بار به خانه من در غرب تهران رفت و دختر خردسالم را همراه خود برد. امسا آنها دیگر برگشتند و احتمال می‌دهم که همسرم، دخترم را ربوده و یا خود برده است چرا که به طرز مشکوکی هر دوی آنها غیبشان زده است.

با اعلام این شکایت، تیمی از مأموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران تحقیقات در این پرونده را آغاز کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که مادر، دخترش را با خود برده است اما از سرنوشت مادر و دختر خبری در دست نبود. تحقیقات ادامه داشت تا اینکه مشخص شد که مادر این کودک خردسال به کمک یک مرد جوان برای دخترش پاسپورت تهیه کرده و بدون اجازه پدر خانواده، کودکش را به کشور امارات برده است. انطور که تحقیقات نشان می‌داد مادر و دختر قصد مهاجرت به کشور کانادا را داشتند که مادر، با نقشه قبلی، دختر خود را همراهش برده بود. با این سرخ، مرد جوانی که نقش پدر دختر خردسال را بازی کرده بود دستگیر شد و در بازجویی‌ها گفت به‌خاطر پول حاضر شده نقش پدر چچه را بازی می‌کند. وی گفت: در ازای دریافت ۵۰میلیون تومان دستمزد، به همراه زن جوان و دختر خردسالش راهی پلیس ۱۰۰ اشدیم و من نقش پدر چچه را بازی کردم. انطور که متوجه شدم زن جوان با همسرش دچار اختلاف شده بود و می‌خواست برای دخترش پاسپورت تهیه کند تا وی را همراه خود برد. مرد جوان گفت: پاسپورت تهیه کند تا وی را همراه خود برد. مرد جوان گفت: زن جوان می‌گفت که قصد دارند به کانادا مهاجرت کنند اما قبل از رفتن به کانادا باید برای انجام کار‌های قانونی در دریافت ویزا به دویی بروند. وی گفت: من دستمزدم را گرفتم و دیگر از آنها خبری نماند تا اینکه پلیس دستگیرم کرد. سرهنگ علی ولپیور گوردزی، رئیس پلیس آگاهی تهران با بیان این خبر به همشهری گفت: متهمی که نقش پدر کسودک را بازی کرده بود به اتهام آدم‌ربایی بازداشت شد و با صدور قرار قانونی از سوی مرجع قضایی برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کار آگاهان اداره یازدهم قرار گرفت و تلاش‌ها برای بازگشت این دختر خردسال ادامه دارد.



مرد کلاهبردار، خودش را نخبه جازد

مردی خودش را نخبه اقتصادی جازد تا به‌بانه سرمایه‌گذاری در زمینه خرید ارز دیجیتال، سر زنی را کلاه بگذارد. به‌گزارش همشهری، چند روز قبل زنی جوان به اداره پلیس رفت و گفت در دام مرد کلاهبردارری گرفتار شده است. وی در توضیح ماجرا گفت: حدود ۲ ماه قبل در یکی از شبکه‌های اجتماعی با مردی به‌نام محسن آشنا شدم که خودش را نخبه اقتصاد معرفی کرد. او می‌گفت در یکی از دانشگاه‌های معتبر تهران تحصیل کرده و در زمینه ارز دیجیتال فعالیت دارد. وی ادامه داد: ارتباط زیاد من با محسن همیشه از کارش تعریف می‌کرد و می‌گفت سود زیادی کسب کرده است. او حتی به من آموزش فعالیت اقتصادی هم می‌داد و می‌گفت در این شرایط اگر فکرم خوب کار کند در فرصتی کوتاه در آمد بالایی کسب می‌کنم. با حرف‌هایش من فریبم داد و تصمیم گرفتم به‌بیشی از سرمایه‌ام را در اختیار وی قرار بدهم تا برآیم در زمینه ارز دیجیتال سرمایه‌گذاری کند.

شاکی گفت: چون تجربه‌ای در این زمینه نداشتم پول را به‌حساب محسن واریز کردم و بعد از مدتی او سود پولم را پرداخت کرد. وقتی دیدم این کار سود بالایی دارد تصمیم گرفتم برای بار دوم پول بیشتری به‌حساب محسن واریز کنم تا برآیم ارز دیجیتال بخرم. وی ادامه داد: در مرحله بعد مبلغ ۴۰میلیون تومان سرمایه‌ام را بیشتر سرمایه‌کردم اما برخلاف دفعه قبلی، این بار با ضرر مواجه شدم. محسن مدام می‌گفت نه‌تنها سود خوبی به‌دست نیآوردم بلکه ضرر هم کرده‌ام. من فکر می‌کردم دروغ می‌گوید به همین دلیل از او خواستم تا پولم را برگرداند اما اتفاق هولناکی رخ داد.

زن جوان ادامه داد: آخرین بار به او رزنسگ زدم و گفتم پولم را می‌خواهم و محسن گفت باید به دفتر کارش بروم تا با هم صحبت کنیم. من هم راهی دفتر او شدم اما خبر نداشتم که محسن نقشه شومی در سر دارد. او شروع کرد به صحبت درباره نوسان قیمت دلار. اما من همچنان اصرار داشتم تا پولم را برگرداند و تهدیدش کردم که اگر پولم را ندهد از او شکایت می‌کنم. محسن همچنان صحبت می‌کرد تا مرا آرام کند، سپس برای پذیرایی برآیم آمیوه آورد که پس از نوشیدن آن دچار سرگیجه شدم و چشمانم سیاهی رفت. وقتی بیدار شدم چند ساعت بهیوش بودم و وقتی چشم‌هایم باز کردم متوجه شدم همچنان در دفتر کار محسن هستم. او آنجا بود که فهمیدم چه بلای سرم آمده و وی از من فیلم سلبه تهیه کرده است. محسن تهدید کرد که اگر شکایت کنم فیلم‌سار را در فضای مجازی منتشر کرده و آبرویم را می‌برد. علاوه بر این، با تهدید تمام طلاهایم به همراه ۰۸ میلیون تومان پولی را که در حسابم داشتم سرقت کرده و مرا از دفتر بیرون انداخت. ابتدا از ترس آبروریزی و انتشار فیلم سیاهی می‌ترسیدم از محسن شکایت کنم اما وقتی موضوع را با یکی از دوستانم درمیان گذاشتم او از من خواست تا هرچه سریع‌تر از مرد شیاد شکایت کنم تا دیگر نتواند با زندگی زن دیگری بازی کند.

باین شکایت، پرونده‌ای در این‌باره تشکیل شده و گروهی از مأموران اداره آگاهی تهران به دستور بازرس دادسرای ویژه سرقت، تحقیقات خود را برای بازداشت متهم آغاز کرده‌اند.